

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شباهنگ راد

۱۷ جنوری ۲۰۱۴

## جعل تاریخ به بهانه شرح حقیقی تاریخ!

(پیرامون نوشته سردبیر "اندیشه پویا")

دو نوع نقد قابل اعتبار است. نقدی که پایه‌هایش با شرح حقایق استوار است و دیگری، نقدی که انگیزه‌اش در خدمت به انقلاب، انسجام و راهگشائی مبارزه طبقاتی درون جامعه می‌باشد. خارج از این دو، فاقد ارزش است. البته این روزها تخریب و زیر و رو کردن رخدادهای تاریخی و سرنوشت‌ساز از جانب این و آن به وفور یافت می‌شود و نماد امانتداری و روشنگری را کمتر می‌توان در دو طرف مرز مشاهده نمود. بی‌گمان یکسوی آن به قدرت بر می‌گردد و دگرسو، به نگاه یکایک‌مان مربوط می‌شود. در این میان یک موضوع کاملاً آشکار است که دشمنان طبقاتی مردم - و آن هم در هیچ عرصه‌ای -، از منظر و از منفعت میلیون‌ها توده رنج‌دیده به موضوع ننگریسته و انتظاری به غیر از آنچه را که روزانه در پی آنند، نمی‌رود. به بیانی ترس و وحشت سرمایه و مدافعانش در طرح و بازگویی حقایق است؛ چرا که باطناً بر این باوراند بیان حقایق و اعلان بُرش‌های مبارزاتی دهه‌های دُور، منفعت سیاسی و مادی‌شان را به‌مخاطره خواهد انداخت. کم نیستند و فراوان‌اند چنین قلم‌زنان، و باز هم کم نیستند و بسیار و بسیاران‌اند، کسانی که ملات سیاسی و انرژی‌شان را در تخریب رفتار و کردار دیگران می‌گیرند. به هر حال سمت‌وسوی افکار دشمنان آگاهی و دار و دسته‌های سرمایه، این‌گونه می‌چرخد و در هر دوره و زمانی با حاکمان‌اند و دشمن سر سخت آزادی و آزادی‌خواهی.

در چنین چهارچوبه‌ای اخیراً در "اندیشه پویا" شماره دوازده، توسط سردبیر آن نوشته‌ای درج گردیده است تحت عنوان "فدائیان جهل و کاش امیرپرویز پویان خاطرات فیدل کاسترو را خوانده بود". البته نویسنده آن، با چنین نوشتار مغرضانه‌ای و با فرار از طرح مملوس‌ترین حقایق، جای هیچ‌گونه سؤالی پیرامون جایگاه و موقعیت خود به‌جا نگذاشته است و هر انسان منصفی می‌تواند، بناحقی این‌گونه قلم‌ها و تعلق آنان به بالائی‌ها را پی ببرد. این نوشته، سراسر جعل، تحریف و تخریب کمونیست‌هایی‌ست که آمده بودند و سر آخر جان دادند تا خلق‌شان را آزاد کنند. در یک نگاه گذری و ساده، قصد و هدف گردانندگان "اندیشه پویا"، شست و شوی مغزی نسل جوان امروزی و آینده، از کارکردهای انقلابیون و کمونیست‌های دوره‌های پیشین، چپ ستیزی و همچنین وارونه جلوه دادن رخدادهای مهم و تاریخی است که فقط و فقط از عهده کسان، سازمان‌ها و نهادهائی بر می‌آید که کاری به حقیقت‌گویی، کاری به امانت‌داری و کاری به آگاهسازی ندارند. بر این اساس، این‌گونه نوشته‌ها قابل نقد و رد نیست؛ با این منطق که، فاقد پایه‌ی‌ترین پرنسیب‌هاست؛ با این منطق که، زبان انقلاب با زبان ضد انقلاب و مدافعان چنین نوشته‌هایی، انتخاب زبان دیالوگ و تبادل نظر به‌منظور روشن‌گری و کشف حقایق نیست. با چنین نوشته‌ها و افرادی، و یا با چنین ارگان‌ها و نهادهائی نه جایز و صلاح است، وارد مجادله‌های فاکتوری شد، و نه صحیح‌ست به بحث‌های اثباتی - اقناعی پرداخت. دلیل آن به

منش، اخلاق و منطق انقلابیون راستین و کمونیست‌هائی بر می‌گردد که در خلاف منطق و منش سردبیر نشریه "اندیشه پویا" قرار دارد.

منطق کمونیست‌های راستین منطق تحریف وقایع تاریخی و تخریب اعمال و افکار جان‌باختگان راه رهایی انسان‌ها از شر مظلوم امپریالیستی و همچنین دستکاری اسناد تاریخی - سازمانی نیست. بر اساس چنین تفاوت‌هائیست که این دو نگرش کاملاً متضاد از هم، قادر به جدل فکری - نظری نبوده - و نمی‌باشند - و یکی در مقابل دیگریست. هیچ‌گونه زبان مشترکی مابین آن‌ها نیست و به تبع آن‌ها انتخاب به‌جا و صحیح روش‌های مبارزاتی در عرصه‌های گوناگون - چه با خودی‌ها و چه با غیر خودی‌ها -، به معنای فهم اصولی و بنیادی مبارزه فی‌مابین انقلاب و ضد انقلاب است. پُر واضح است که زمانی می‌توان به جنگ نادرستی‌ها و رفع ناملازمات سیاسی شتافت که باور و توافقی پیرامون پایه‌ئی‌ترین وقایع تاریخی باشد. به بیانی دیگر می‌توان بر سر درستی و نادرستی هر موضوع و رخ داده‌های تاریخی - مبارزاتی به بحث نشست و استنتاجات و برداشت‌های خود را در حول و حوش آن‌ها بیان نمود؛ اما نمی‌توان به انکار آن‌ها نشست و سند جعلی و خودی را به‌جای اسناد واقعی و ثبت شده به‌خورد جامعه داد، کاری که گردانندگان "اندیشه پویا" بدان مبادرت ورزیده‌اند.

در هر صورت رؤیت چنین موضوعاتی این‌روزها، نه غیر منتظره است و نه تمام‌شدنی. اما و در ورای آن، آن‌چه که از اهمیت برخوردار می‌باشد نه پرداختن ریز به ریز و بنیادی به نوشته سردبیر نشریه "اندیشه پویا" - رضا خجسته‌رحیمی - مبنی بر این‌که "پویان یکی از تئوریسین‌های جنگ مسلحانه که از دور دستی بر آتش این حوادث داشت، به لحاظ روانی و به ترس از اسلحه متبلا شده بود .."، و همچنین (نقل بناصحیح از فیدل کاسترو) مبنی بر این‌که: " [چه‌گوارا] اراده آهنینش هیچ ربطی به اعتقادات راستین، نیروی ذهنی و اراده آهنین نداشته است، بلکه به بیماری آسم او مربوط می‌شد، احساس خفگی همیشگی و به‌خصوص واکنش مداوم به این احساس و ترشح مرتب و فراوان آدرنالین به‌وسیله سیستم غیر ارادی بدن باعث می‌شود این بیماران از چیزی نهراسند"، بلکه نگاه به چرائی و باز نویسی تاریخ ثبت شده‌است که تحت عنوان نشریه "مستقل" منتشر می‌گردد.

براستی این سؤال طرح است که چه نیاز و ضرورتی، سردبیر "اندیشه پویا" را واداشته است تا به باز نویسی غیر حقیقی و سراسر جعل، از اعمال و آرمان کمونیست‌هائی همچون پویان و چه‌گوارا بپردازد؟ چرا هر کاسه لیسی، قلم به‌دست - گرفته و - می‌گیرد و به بهانه شرح رخ داده‌های مهم و سرنوشت‌ساز تاریخی به تحریف آن‌ها می‌پردازد؟ چرا تلاش‌ها و تقلا‌ها بر آن است تا افکار حک شده توده‌ها را نسبت به کمونیست‌های راستین حذف نمایند و تصویر بناحقی به جامعه ارائه دهند؟ دلیل این همه هرزه‌گویی‌ها و ریاکاری‌ها در چیست؟

به باور سردبیر "اندیشه پویا"، یکی - پویان - در اثر ترس، به اسلحه پناه برده بود و دیگری - چه‌گوارا - هم به‌دلیل استفاده غیر معمول از دارو، از مرگ هراسی نداشت!! آیا همین دو قلم فاکت و چنین نگاهی کافی نیست، تا به عمق انگیزه و به تعلق سردبیر "اندیشه پویا" پی ببریم و بر آن شویم که پرداختن جز به جز این نوع نوشته‌ها، چیزی جز آب در هاون کوبیدن و چیزی جز، اعتباری به گردانندگان نشریه نبوده و نمی‌باشد؟

انصافاً و فارغ از هرگونه پیش‌داوری، آیا چنین روش و سبک کاری را می‌توان به‌عنوان سبک کار و منطق انقلابی و سازنده توضیح داد؟ به غیر از این است که انتخاب چنین روش و اسلوبی مختص مخرسانی همچون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و حامیان ریز و درشت‌شان و مدافعان طبقه سرمایه‌داری می‌باشد؟ به جرأت می‌توان گفت که این سیاست نظام و کاسه لیسان رنگارنگش می‌باشد و یکی از وظایف‌شان، پی‌گیری تخریب و جعل اسناد تاریخی و اعمال انقلابیون و کمونیست‌هائیست که در دوره‌های پیشین، پا پیش گذاشتند و سیاست و راهی را انتخاب نمودند که ثمره آن را جامعه و میلیون‌ها توده زحمت‌کش به عینه مشاهده نموده‌اند. بی‌دلیل نیست که دهه‌ها و مدت‌هاست، نشریات متفاوت

وابسته به دوائر حکومتی - دولتی به بهانه بازگوئی حقایق و به بهانه روشن‌گری و روشن‌سازی افکار عمومی و نسل جوان امروزی، به چنین یاوه‌گوئی‌هایی می‌پردازند؟ تقلاءها و هرزه‌گوئی‌هایی که این‌بار از دهان و از قلم رضا خجسته‌رحیمی بیرون بدر آمد.

مسلماً قلم‌پردازی این‌چنینی را باید از زمره شاخصه‌های همه نظام‌های سرمایه‌داری و دار و دسته‌های رنگارنگ‌شان به حساب آورد و مازاد بر این می‌توان بر این موضوع تأکید ورزید که رژیم جمهوری اسلامی به‌مانند تمامی رژیم‌های هار و سرمایه‌داری، فاقد پائین‌ترین پایگاه اجتماعی‌ست و به هر دری می‌زند تا حاکمیت منحوسش را حفظ نماید. این نظام و دار و دسته‌های حکومتی - دولتی و غیر دولتی‌اش امتحان خود را پس داده‌اند و در میان مردم فاقد اعتباراند. سرمایه و مدافعان آن پی برده‌اند که سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه، پاسخ‌گوی ابتدائی‌ترین نیازهای یک جامعه انسانی نیست؛ دریافته‌اند که قیاس دو نگرش، دو رفتار و دو کردار، به جزء ذاتی نیروی جوان و جنبش‌های اعتراضی تبدیل گردیده است. به همین دلیل و به یمن ارگان‌های تبلیغاتی و به یمن عناصر وابسته‌شان است که، با وارونه جلوه دادن حقایق و با زیر و رو نمودن رخداد‌های پرثمر تاریخی، ذهن و افکار بخش و یا بخش‌هایی از جامعه را نسبت به رفتار و کردار کمونیست‌های پیشین منحرف می‌سازند؛ تاریخ را جعل می‌نمایند، به تخریب انسان‌ها روی می‌آورند، دستگیر می‌کنند و جان هزاران کمونیست و مخالف را می‌گیرند تا نفس جامعه دل‌خواه‌شان از حرکت باز نه ایستد. علی‌رغم آگاهی و علی‌رغم فقدان پیروان عملی کمونیست‌های تحول‌گرا در درون جامعه می‌دانند که خاطره، افکار و اعمال کمونیست‌های دهه‌های دور در ایران و جهان، در میان مردم و نسل جوان امروزی سر زنده است. همه هدف‌شان "پاک‌سازی" اعمال و افکار دوره‌ای از پراتیک بالنده و ثمربخش کمونیست‌هاست؛ هدف حذف آن تاریخ ارزش‌مندی‌ست که پایه‌گذاران آن عده‌ای از مبارزان و کمونیست‌های جان بر کفی، همچون پویان‌ها و چه‌گواراهائی بودند که بدون کمترین منفعت و چشم‌داشت سیاسی، به جنگ نظام‌های سراسر خشن و هار برخاستند. می‌خواهند تمامی رد پا و یا هر آنچه را که زمینه‌ساز تحرک ذهنی و عملی جامعه، مردم و نسل جوان امروزی‌ست را "پاک" نمایند و به جای آن‌ها، سیاست اطاعت، بی‌رمقی، ایستادگی و باوری به سیستم ظالمانه سرمایه‌داری را جای‌گزین نمایند.

بنابر این به خطا خواهیم رفت که به جدل فاکتوری، انتقادی و اثباتی - اقصائی، با قلم‌زنانی همچون سردبیر نشریه "اندیشه پویا" پردازیم؛ به خطا خواهیم رفت که از چنین عناصری، طلب اسناد و برخورد واقعی بنمائیم؛ به انحراف در خواهیم غلتید که با چنین سردبیرانی، سیاست مجادله نظری و سیاسی را پیشه سازیم و حد و حدود طبقاتی، و راه مبارزه حقیقی و قاطع - حتی در حوزه‌های تاریخی - فاکتوری و نوشتاری - را مخدوش نمائیم. ورود به بازی تعیین شده آنان، چیزی جز اغتشاش مرزهای طبقاتی نیست و در عوض و پیداست که این‌گونه تقلاءها نشان‌دهنده آن است که آرمان و پراتیک کمونیستی گذشتگان در درون جامعه زنده است و بنابه چنین نشانه‌هایی، ترس رژیم‌های سرمایه‌داری و همه دست‌نشانندگان و جیرمخواران‌شان، پی‌گیری راه آنان از جانب جامعه و نسل جوان امروزی‌ست؛ همه هراس‌شان از سر زندگی آرمان انقلابی و خاطره زنده کمونیست‌هایی همچون پویان‌ها و چه‌گواراها در ذهن جامعه و مردم است؛ خاطره و آرمانی که هر زمان، پتانسیل زیر و رو کردن بساط طبقه سرمایه‌داری را دارا می‌باشد.

۱۶ جنوری ۲۰۱۴

۲۶ دی [جدی] ۱۳۹۲

لینک‌های زیر مربوط به نوشته سردبیر "اندیشه پویا"

<http://i42.tinypic.com/de5fts.jpg>

<http://i40.tinypic.com/2d1mr76.jpg>